

«مسعود بارزانی» در گفت‌وگو با روزنامه الحیات:

در معاملات جدید بین‌المللی اقلیم استثنانمی‌شود



عکس Reuters

و به دور از خشونت است. هدف اساسی آن این است که جلوی فجاج و جنگ‌های جدید را بگیرد. ما خواهان جنگ نیستیم؛ بلکه همیشه توصیه به برادری و دوستی می‌کنیم؛ اما دربارهٔ referendum، این تصمیمی است که رهبری سیاسی کردستان گرفته و در این زمان باید اجرا شود. از این تصمیم نمی‌شود عقب نشست. برگزاری referendum حق قانونی ملت ماست. این یک حق دائمی بوده و باید در نزدیک‌ترین فرصت اجرا می‌شد تا خواست ملت کردستان را به جهانیان نشان دهیم. اگر بعضی این زمان را نامناسب می‌دانند، از آنها می‌پرسیم پس زمان مناسب آن کی خواهد بود؟ اگر ما منتظر تأیید دیگران باشیم، هرگز این زمان مناسب تعیین نخواهد شد. تنها خلق کرد است که حق دارد چنین زمانی را تعیین کند. ما مشارکت آزاد و اختیاری با عراق را برگزیده بودیم. مشارکتی که نقض نشود. وقتی این حق ملت کرد است که راه دیگری را برگزیند.

ﻻ **حتی کشورهای منطقه‌ای مثل ایران و ترکیه با برگزاری referendum مخالفت کرده‌اند.**

ما خواستار برگزاری referendum در اقلیم کردستان هستیم. درباره عواملی که موجب شده تا اقلیم چنین گامی را بردارد، صحبت کردیم. نمی‌خواهیم تجارب شکست‌خورده و مملو از اندوه صد سال گذشته با عراق را تکرار کنیم. دولت‌های منطقه باید این مسئله را درک کنند. ما به آنها توضیح داده‌ایم که عامل امنیت و ثبات منطقه هستیم.

 ? ؟		 ? ؟
نمی‌خواهیم تجارب شکست‌خورده		
و مملو از اندوه صد سال گذشته با عراق را تکرار کنیم.		
دولت‌های منطقه باید این مسئله را درک کنند.		
ما به آنها توضیح داده‌ایم که عامل امنیت و ثبات منطقه هستیم.		

ﻻ **این اتفاق چگونه ممکن است، وقتی شما می‌خواهید برای مثال حزب‌تان شاخه‌ای در ترکیه داشته باشد.** این در حالی است که رجب طیب اردوغان برگزاری referendum شما را رد کرده است.

referandum به معنای اعلام جنگ با کشورهای همسایه یا دشمنی با آنها نیست. ما اعتقاد داریم باید روابطی دوستانه با همه آنها داشته باشیم. به‌ویژه ترکیه که جایگاه خاصی دارد. ما قصد ایجاد شاخه‌ای برای حزب خودمان در ترکیه نداریم. اینها اطلاعاتی غلط است. اگر منظورتان دفتر حزب بود، این یک امر طبیعی است.

ﻻ **کسانی هستند که احساس می‌کنند شما درباره referendum یک نوع سیاست قرار به جلو را برگزیده‌اید تا جلوی احزاب دیگر را بگیرید و نگذارید مقابل شما بایستند؟**

referandum حق همه افراد ملت است. فقط شهروندان هستند که حق این کار را دارند و این مسئله هیچ ارتباطی به این یا آن حزب و اختلافات‌شان ندارد؛ زیرا اختلافات در حیات سیاسی هر کشوری امری طبیعی تلقی می‌شود و همیشه هست. referendum فراتر از منافع احزاب است. این تصمیمی برای

این روزها مسئله همه‌پرسی کردستان عراق برای اعلام استقلال این منطقه زبان‌زد محافل سیاسی عراق و کشورهای هم‌جوار است. اینکه آیا کردهای عراق موفق خواهند شد برای خود کشوری داشته باشند و آیا این مسئله در مجموع به نفع کردها و سایر کشورهای منطقه خواهد بود یا برعکس، شاید شروع دور تازه‌ای از جدال‌های داخلی در عراق و آسیب‌های ناشی از آن باشد. از مدت‌ها پیش «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان، این مسئله را مطرح کرد و هم‌اکنون نیز اصرار بر اجرای آن دارد. او می‌گوید هیچ جای برگشتی از همه‌پرسی نیست، رهبران سیاسی کردستان این تصمیم را گرفته‌اند و برگزاری همه‌پرسی حق قانونی ماست. او تأکید می‌کند، ما وحدت عراق را برهم نزده‌ایم؛ بلکه این خود دولت عراق است که از هم پاشیده و پایه‌های شراکت و قانون اساسی را نقض کرده است. بارزانی معتقد است جنگ طایفه‌ای در عراق هم‌اکنون نیز وجود دارد و دولت قدرتی برای کنترل امور ندارد. مصاحبه مسعود بارزانی را با روزنامه الحیات می‌خوانید:

ﻻ **پس از اتمام نبرد با تشکیلات داعش در موصل، شما به دنبال چه عراقی هستید؟**
ما نباید فقط به نتایج نبرد موصل دلخوش باشیم؛ بلکه باید به عواملی فکر کنیم که منجر به ظهور داعش و گسترش آن شد. باید تدابیر اجرایی و برنامه‌های اداری و سیاست‌های امنیتی لازمی را اتخاذ کرد که به اقلیت‌های ساکن موصل اطمینان خاطر بدهد و آنها بتوانند به زندگی طبیعی‌شان برگردند. بعد از داعش، باید اهالی مناطق آزادشده مسئولیت‌های امنیتی و سیاسی اداره مناطق‌شان را برعهده بگیرند و آنها را دور از منازعات طایفه‌ای نگه دارند.

ﻻ **در ریشه‌کنی بقایای این تشکیلات تروریستی در تلعفر، قایم و الحویجه انتظار اتفاق غافلگیرکننده‌ای ندارید؟**

امیدوارم با کمترین خسارت به شهروندان بشود بر داعش در این سه منطقه غلبه کرد. در عمل دیگر این تشکیلات قدرت دفاع از خود را از دست داده است.

ﻻ **در تلعفر نگرانی‌هایی نسبت به رفتار و حضور نیروهای حشدالشعبی وجود دارد. آیا این نگرانی‌ها برطرف شده است؟**
ما از همان روز اول گفتیم باید ارتش در هماهنگی با نیروهای ائتلاف بین‌المللی مسئولیت آزادسازی تلعفر را برعهده گیرد. کسانی که در تلعفر هستند، ترکمان‌های اهل سنت هستند و اکثرشان با داعش همکاری می‌کنند. این نگرانی وجود دارد که بعضی موارد نقض و تجاوز به وجود آمده و مشکلات را پیچیده‌تر کند.

ﻻ **بسیاری از نیروهای سیاسی عراق رهبران کرد را سرزنش می‌کنند که بدترین زمان ممکن را برای برگزاری referendum تعیین سرنوشت کردها انتخاب کرده‌اند؛ حتی بعضی شما را مسئول تشدید نگرانی‌ها نسبت به تجزیه عراق می‌دانند. آیا فکر نمی‌کنید تصمیم referendum در ۲۵ سپتامبر آینده ممکن است جنگ دیگری را در کشور به راه بیندازد. آن هم کشوری که هنوز از جنگ‌های ویرانگر با داعش نفس راحتی نکشیده است؟**

تصمیم برگزاری referendum و رفتن به سمت استقلال یک روند مسالمت‌آمیز

مقتدی صدر در گفت‌وگو با «الشرق الاوسط»:

عربستان برای همه مانند پدر است



و قشنگی دارد. من پس از این‌ دیدار خیلی امیدوار شدم. برنامه‌های جدیدی برای همکاری با عراق و با کل منطقه وجود خواهد داشت.

ﻻ **آینده روابط عربستان و عراق را پس از دیدار حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق به عربستان چگونه می‌بینید؟**
دیدار حیدر العبادی از عربستان در چارچوب روابط بین دو دولت بود. اما حضور من در عربستان بیانگر ارتباط بین دو ملت بود. ما به کل ملت عربستان احترام می‌گذاریم و بین هیچ‌کس فرقی نمی‌گذاریم. ما خواستار بهبودی روابط بین برادران در این زمانه هستیم. در ۱۰ سال گذشته حساسیت‌هایی وجود داشته که باید از بین برود. باید رفته‌رفته از شدت تنش‌ها کاسته شود. ضرورت دارد که عراق دوباره به آغوش کشورهای عرب بازگردد.

ﻻ **کنارکشیدن عمار حکیم از مجلس اعلای عراق را چگونه می‌بینید؟ آیا اختلافی با تهران داشت؟**
کار به اختلاف نکشید. بعضی مشکلات بود که نشد حل شود. بعضی

نسل‌های آینده بوده و نمی‌توان آن را بخشی از منازعات حزبی تلقی کرد. **ﻻ** **دشمنان شما را متهم می‌کنند که سعی می‌کنید با برگزاری یک referendum الکترونیکی، این روند را برای کسانی که در شهرهای دیگر هستند، پیچیده کنید و به این وسیله مناطقی را به کردستان ملحق کنید.**

کمیساریای عالی مستقل انتخابات مسئول امور فنی این referendum است. آنها دارند تلاش می‌کنند برگزاری این روند را برای شهروندان تسهیل کنند. روند رأی‌گیری در داخل اقلیم به صورت کاغذی و در خارج، کمیساریای عالی سعی می‌کند راهی آسان را پیدا کند که مناسب باشد. شکل قانونی این referendum مکمل همدیگر است و در این‌باره رهنمودهایی صادر شده است، نتایج این referendum قطعا بازناب‌دهنده اراده خلق کردستان بوده و برای شروع مذاکرات با بغداد در آینده ضروری خواهد بود.

ﻻ **شما حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) را متهم می‌کنید قصد دارد بر سنجار مسلط شود؛ اما آنها چنین اتهامی را رد می‌کنند. آیا شما در مرحله بعد از داعش، انتظار یک رویارویی در آنجا را دارید؟**

وجود افراد مسلح حزب کارگران در سنجار غیرقانونی است. به‌جز نیروهای رسمی اقلیم کردستان، به کسی اجازه حضور در آنجا داده نخواهد شد. ما تلاش می‌کنیم بر برخوردهای نظامی پیش نیاید. در نتیجه، این اهالی سنجار هستند که سرنوشت خود را در این مناطق تعیین خواهند کرد.

ﻻ **آیا نگران برخورد نظامی با نیروهای حشد الشعبی در تلعفر نیستید؟ یا با دولت حیدر العبادی که نگذازد شما referendum «جدایی» در کردستان عراق را برگزار کنید، بر خورد خواهید کرد؟**

تلعفر منطقه‌ای خارج از اقلیم است. ما معتقدیم ارتش باید این منطقه را آزاد کند. ما با نیروهای حشد الشعبی نیز مشکلی نداریم؛ اما قطعا نخواهیم گذاشت این نیروها وارد خاک کردستان شوند. ما در جنگ داعش به‌ویژه در نبرد موصل، هماهنگی بالایی با آقای العبادی داشتیم. ما هرگز دعوت به جنگ نخواهیم کرد و شروع‌کننده آن نخواهیم بود؛ اما قطعا اگر لازم شد، قدرت دفاع از خودمان را داریم.

ﻻ **حنی واشنگتن به شما نصیحت کرد از referendum دست بردارید؛ بنابراین آمریکا، ایران و ترکیه با آن مخالف هستند. شما چه انتظاری دارید؟**
ملت کردستان کاملا حق دارد که خود سرنوشتش را تعیین کند. ما به اراده این ملت اطمینان داریم. قطعا نگرانی بعضی از دولت‌ها را درک می‌کنیم؛ اما جایگزین آن چیست؟ آیا از ما می‌خواهید تجارب شکست‌خورده گذشته را تکرار کنیم؟ چرا ما باید دوباره همان مصیبت‌ها را تکرار کنیم؟ یک بار دیگر من از این دولت‌ها می‌پرسم: آیا وقت مناسبی برای اجرای این referendum به نظر آنها وجود دارد؟

ﻻ **اختلافات با بغداد بر پرونده‌هایی مثل نفت سایه افکنده است؛ چطور می‌شود از این اختلافات مزمن خارج شد؟**

سال‌های گذشته، مشکلات موجود بین اقلیم و بغداد حل نشد. این درحالی بود که همه توافقات نقض شده بود. الان اولویت برای ما برگزاری referendum است و اینکه دنبال یک فرمول دیگری برای ارتباط با بغداد باشیم. قطعا پرونده نفت هم یکی از موارد گفت‌وگو بعد از referendum خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۲

 ? ؟		 ? ؟
مشکلات در داخل مجلس اعلا به خاطر شخصیت‌های بزرگی بود که خودشان را در همان سطح حکیم می‌بینند. برادر حکیم دید نباید آنها را از مجلس اعلا اخراج کند. بنابراین خودش تصمیم به خروج گرفت. این اخلاق اوست. بعد جریان «حکمت ملی» را تأسیس کرد. ان‌شاءالله بتواند این حرکت در جهت خدمت به عراق و عراقی‌ها باشد. این کار خوبی در این شرایط است. یک ملی‌گرا نباید از اسلام خود دست بکشد.		
ﻻ آیا ما باید انتظار ائتلافی بین شما، نخست‌وزیر العبادی و عمار حکیم برای انتخابات آینده داشته باشیم؟		
من هیچ مانعی برای این ائتلاف نمی‌بینم. این را نه به‌عنوان یک شخص بلکه به‌عنوان یک جریان می‌گویم. به‌خصوص اینکه ما درصدد تشکیل یک فراکسیون هستیم که نظام سهمیه‌بندی را کنار بگذارد؛ یعنی از بین افراد تکنوکرات و مستقل باشد که به جایی وابسته نباشند. از چهره‌های جدید باشند تا بتوانیم با تأمین نیازهای مردم، عراق را به یک ساحل امن برسانیم. عراق درحال‌حاضر گرفتار فقر، جنگ و مشکلات امنیتی و حتی مسائل روزمره است. دولت جدید باید از همه اختیارات خود برای رفع این مشکلات استفاده کند.		
ﻻ شما واقعیت الحشد الشعبی را چگونه می‌بینید؟		
پیوسته می‌گویم نیروهای منضبط جریان الحشد الشعبی یا سایر رزمندگانی که مناطق مختلف را آزاد کردند، باید در نیروهای امنیتی و پلیس یا سایر نیروهای دیگر ادغام شوند. دولت عراق باید یک مرکزیت داشته باشد. اینکه دو ارتش وجود داشته باشد مشکل خواهد بود. از این رو باید به سطحی از ادغام دست پیدا کرد. باید همه این نیروها ازجمله نیروهای مسلح تحت فرمان نخست‌وزیر باشند. اگر الحشدالشعبی خارج از چارچوب دولت باشد، موجب مشکلات متعددی خواهد شد.		
ادامه در صفحه ۱۲		

جهان

پنجشنبه **•** ۲۶ مرداد ۱۳۹۶ **•** سال چهاردهم **•** شماره ۲۹۳۹ **•** ۹

شرق روزنامه

نگاه

رقابت‌های قبیله‌ای و سرنوشت کنیا

مترجم: محمدحسن ایپچی

سیاست در کشور آفریقایی کنیا ریشه در تاریخچه دو سلسله دودمانی «کنیاتاها» و «اودینگاها» دارد. دانیل آراپ مویی، دومین رئیس‌جمهور این کشور، طولانی‌ترین دوران حکومت را تا امروز (۲۴ سال) داشته و موآبی کیباکی، سومین رئیس‌جمهور نیز، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بر سر قدرت بوده، اما نکته مهم مصاف دائمی بین دو قدرت کنیاتا و اودینگا بوده است. برای درک بهتر وضع فعلی بعد از برگزاری انتخابات هشتم آگوست با پیروزی کنیاتا در برابر اودینگا، بی‌فایده نیست نظری کوتاه به ریشه‌های این دو دودمان قدرتی داشته باشیم.

جوموکنیاتا و جاراموکی اوبینگکا وقتی در قید حیات بودند، فضای سیاسی کنیا را حتی پیش از استقلال به دست داشتند. هر دو رهبری کاریزماتیک برای مردمان خود (کنیاتا برای قبیله کیکیویو و اودینگا برای لو، دومین گروه نژادی کنیا) به شمار می‌رفتند. هر دو با قدرت و تلاشی در خور توجه در قدرت‌بخشیدن به پیروان خود از پای نایستاده، بیشترین تلاش را برای حمایت مردم از دسیسه‌های نظام استعماری بریتانیا از خود نشان دادند و برای همین هم بود که از سوی بریتانسان به رهبری با فره ایزدی شناخته می‌شدند.

آنها مبارزانی ملی‌گرا بوده و از حمایت شدید دیگر رهبران قدرت‌مدار کنیا برای کسب استقلال برخوردار بودند. جامعه کیکیویو دوران سختی را در زمان اولیه آغاز استعمار داشتند و استقلال آنان از سوی استعمارگران گرفته شده بود. بسیاری از مردم بی‌خانمانی که دیگر همچون گذشته مالک اراضی خود بودند، نمی‌توانستند به‌واسطه قدرت استعمار بر سر زمین‌هایشان باشند، آسیب‌های فراوانی را متحمل شدند.

برای همین بود که مردم کیکیویو برای رهایی از شر استعمار خود را وارد جنبش مبارزاتی کرده در گروه رادیکال مانو مانو فعال شدند و در اواخر دهه ۱۹۵۰ مبارزات خود را علیه استعمار تشدید کردند. اما با تمام این‌احوالات، این جنبش انقلابی فقط در برابر ستون استعمار عمل نمی‌کرد که دیگر گروه‌ها و سازمان‌ها و حتی صنوف تجاری در این مبارزات مشارکت داشتند.

مخالفت و مبارزه با قدرت‌های استعماری روز به روز گسترده می‌شد و بسیاری از مردم قبیله لو (Luo) مأموریت مبارزاتی را در بنادر و حتی دیگر مناطق بر عهده داشتند.

جومو کنیاتا که رهبر واقعی در برابر حاکمیت استعمار بود، انگ تروریستی و عضویت در جنبش منع‌شده مانو مانو را خورد. این اتفاق شوم هنوز که هنوز است به‌عنوان حادثه‌ای ناگوار در کتب درسی دانشجویان رشته حقوق تدریس می‌شود. متعاقب چنین شرایطی بود که او به مدت هفت سال پیش از آنکه سال ۱۹۶۱ به تبعید فرستاده شود، در زندان به‌سر برد.

کنیاتا به‌تدریج هم‌زمان با دوران محکومیتش در زندان و با ادامه مبارزات خود توانست اتحادیه آفریقایی کنیا را تأسیس کند که بعدها بخشی از اتحادیه ملی آفریقایی کنیا (کانو) محسوب شد. اما، اوبینگکا نوزاد کنیا با اراده‌ای مصمم و قوی با استفاده از راهکارهای خاصی، مبارزه با استعمار را با ائتلاف گروه‌های دیگری از مردم ادامه داد و برای آزادی کنیاتا از هیچ کوششی دریغ نرورزد.

ادامه مبارزات موجب آزادی کنیاتا از زندان شد و اودینگا برای به‌قدرت‌رسیدن کنیاتا به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور استقلال کنیا اقدام کرد. کنیا در سال ۱۹۶۴ به استقلال رسید و بالاخره کنیاتا نخستین رئیس‌جمهور و اودینگا به نخست‌وزیری او منصوب شد. کنیاتا در کتابش با نام«رنج بدون تلخی» به‌عنوان رهبر ملی کشور به همه افراد و گروه‌ها با هر عقیده‌ای اعلام کرد که می‌توانند برای کمک به ساختن کنیایی جدید در کشور مانده و همکاری کنند. ده سال بعد از این ماجرا، کشور با توسعه چشمگیری روبرو شد. کشورآزوانی که بیشترین از قبیله کیکیویو بودند، برای تولید و حفظ محصولات کشاورزی تلاش بسیاری کردند. فضای جامعه کم‌کم از رنگ استعمار چهره عوض کرد و حتی در رشته ورزش برخی به قهرمانی المپیک دست یافتند. در این زمان نبود که کنیا به‌عنوان الگوی مبارزه با استعمار شهره عام و خاص شد و شهروندان کنیایی چه در داخل کشور و چه خارج، از اعتبار بالایی برخوردار شدند. اما این همه داستان نبود که در طرف دیگر بوی خوبی به مشام نمی‌آمد. جمعیت به سرعت در حال افزایش بود و هر چقدر حکومت برای پیشرفت آموزش، درمان، مسکن و… تلاش می‌کرد، نمی‌توانست جوابگوی کامل نیازها باشد. بسیاری به حاشیه رانده شدند و در این میان مردم قبیله لو و بسیاری از دیگر قبایل کوچک نیز جز، آنها بودند.

پایان ماه عسل

ماه عسل سیاسی بین کنیاتا و اودینگا کم‌کم با فشارهای جدی مواجه شد. فلسفه سیاسی اودینگا با گرایش سوسیالیستی و نگاه به چین، اتحاد جماهیر شوروی و ورشو نمونه روشنی در زمان وقوع جنگ سرد بود. با طرفداری اودینگا از شرق و کنیاتا از غرب، دو جبهه مخالف در فضای سیاسی کنیا را شاهد بودیم. اودینگا نیز در کتابش با عنوان «هنوز با آزادی فاصله داریم»، نوشت: برای بسیاری استقلال هنوز وارد این مملکت نشده، بلکه فقط قدرتی جای خود را به دیگری داده است. در نهایت، او از قدرت کناره‌گیری کرد و یکی از تلخ‌ترین دوران تاریخ آفریقا رقم خورد. از آن زمان بود که او و بعدها پسرش ریلا مورد بسیاری بی‌مهری‌ها، آزار و محرومیت از هرگونه صحبت و فعالیت سیاسی قرار گرفتند. کنیاتا، دانیل آراپ مویی را برای پذیرش پست نخست‌وزیری دعوت کرد که تصور داشت بعد از خودش قدرت را به دست گیرد. مویی که از گروه نژادی بزرگی به شمار نمی‌رفت، کوبی بهترین گزینه در برابر ائتلاف همه گروه‌های سیاسی آن زمان بود. کنیاتا در سال ۱۹۷۸ درگذشت و مویی که بعدها ۲۴ سال قدرت را در دست داشت، جایگزین او شد. دوران نزدیک به ربع قرنی که از آن به‌عنوان «ده هدررفته» یاد می‌کنند، دورانی که همه فعالیت‌های سیاسی به تعطیلی کشیده شد و فضای سیاسی به حاکمیت تک‌حزبی درآمد.

ادامه در صفحه ۱۲